



KASHMIR

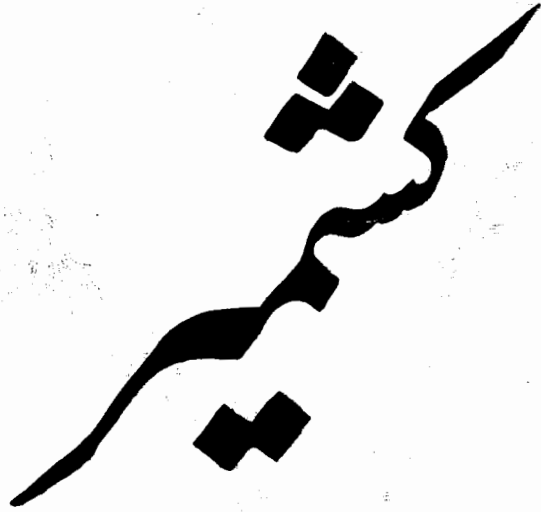
Price
RIALS 20

1

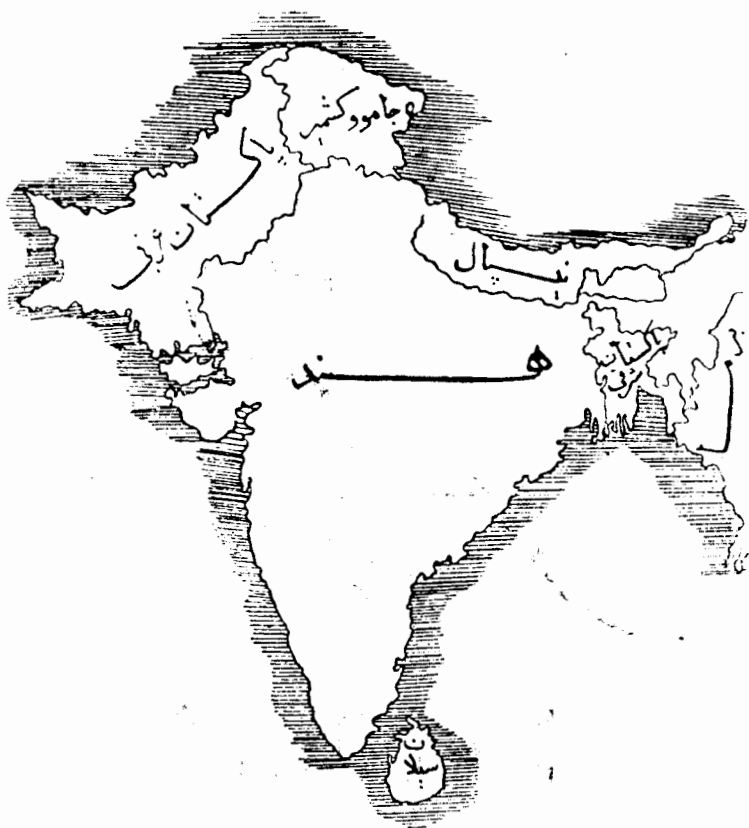
2..

اسکن شد

کتابخانه محمد علی اختر
شماره ۵
۶۶



KASHMIR



نقشه شبه قاره هند

در این نقشه موقع جغرافیائی جامو و کشمیر بخوبی دیده میشود

قرن شانزدهم میلادی بود که اروپائیان از راه خشکی به هندوستان شروع گرفت و آمد نمودند؛ اول پرتگالیها و بعد فرانسویها و هلندیها و بالاخره انگلیسیها سر و کلهشان در آنجا پیدا شد و از همانوقت ستاره سعادت هندیا افول نمود. دولت بریتانیا با توجه بموقعیت طبیعی و استراتژیکی هندوستان بر آن شد تا با دسائس مختلفه و تعقیب سیاست خاصی مالک مطلق این منطقه عظیم گردد. این فعالیت از اوان سلطنت شاه جهان در سال ۱۶۳۲ میلادی آغاز شد تا آنکه در سال ۱۸۵۱ دولت فخریه پس از یک سلسله کوششهای «متوالی» بر قسمتهای جنوبی هندوستان تسلط یافت؛ ظهور انگلیسها در هندوستان نه تنها باعث تحولات شدیدی در کشور نامبرده شد بلکه بطور کلی صلح و آرامش قاره آسیا را برهم زد و تعادل موجود را از بین برد.

یکی از سیاستمداران بزرگ انگلستان یعنی لرد کرزن

ب _____ کشمیر

عقیده داشت که . « امپراطوری بریتانیا بدون وجود هندوستان نمیتواند زندگی خود را تأمین نماید (۱) » این گفته بخوبی توجه دولت مذکور را نسبت به هندوستان مشخص میسازد.. در هر صورت قربانیهاییکه ملت هند در طول يك قرن برای بدست آوردن آزادی داده و فشارهای طاقت فرسایی را که متحمل شده؛ کوشش ها و جانفشانی که مجاهدین رشید و آزادیخواه این کشور باستانی در راه بدست آوردن استقلال بهممل آورده اند دولت انگلستان را وادار کرد که در اوایل سال ۱۹۴۶ يك کمیسیون فوق العاده ای با شتراک سه وزیر کابینه انگلستان با اختیارات کامل به هندوستان اعزام دارد! این کمیسیون در سال ۱۹۴۶ پیشنهاد کرد که هندوستان واحدی مشتمل بر سه جامعه : هندو و مسلمان و سیک با شتراک شاهزاده نشینها تشکیل شود دولت انگلستان بر اثر فشار افکار عمومی و اعتصاب سخت و شدید ملیون بالاخره مجبور شد مفاد اعلامیه ۱۹۴۶ خود را مجدداً در کتاب سفیدی که منتشر کرد تأکید و تأیید نماید . ولی متأسفانه منافع آنهاییکه از سال ۱۵۸۹ کمپانی « سوداگری

(۱) « Without India, British Empire cannot exist »
Lord-Curzon .

ج — کشمیر

هندوستان شرقی * را در این مملکت تشکیل داده و برای حفظ منافع خود در يك روز ۸۰۰۰ نفر از این ملت ستمکش را گلوله باران نمودند ایجاب نمی کرد که جامعه هندی واجد استقلال بمعنی و مفهوم حقیقی آن گردد .

این بود که با فروختن آتش اختلافات مذهبی و پاشیدن تخم نفاق در بین طرفداران مرام های مختلف ؛ کشور هندوستان را بدو قسمت هند و پاکستان تقسیم کردند .

اما ... برای آنکه دولت انگلستان دوباره استقرار نفوذ سیاسی پیدا کند و بتواند کماکان و بخوبی امور دو ناحیه را تحت اختیار بگیرد با تبلیغات و تحریکات شدیدی مسئله مذهب را در مورد امارات مختلفه موجود پیش کشید و اساس ملیت را بر پایه های مذهب قرارداد و آنگاه باز بر دستی خاصی که فقط مخصوص سیاستمداران کهنه کار انگلیسی است عدم قرابت نژادی هندوها و مسلمان ها را در يك کشور واحد هندوستان به ثبوت رساند و خاکستر سردی را که سالهای متمادی بر روی آتش شدید اختلافات پاشیده بود بدست پر عطفوت !! خود کنار زد ..

فصل اول

آزادی هند

اصولا کشورهای کهن سال که در قاره آسیا قرار دارند و مرکز تمدن دنیای کهن میباشند بر اثر تحولاتی که در طی قرون متمادی بوقوع پیوست ، و ظهور يك سلسله عواملی که بیان و تشریح آن از حوصله این کتاب خارج است دستخوش انحطاط و سیر قهقرائی گردیدند و این سیر تقهقر تا بدانجا ادامه یافت که اکثر از کشورهای مزبور تحت سیطره و نفوذ بیگانگان قرار گرفتند .

بواسطه ضعف و تکاهل دول آسیائی کشورهای نیرومند اروپا موفق گردیدند در اندك مدتی باتوسل بوسائل عدیده و ممکنه بر اقوام و ملت های مختلفه مرکزی این قاره بزرگ مسلط گردند و از منابع بی پایان و سرشار زیرزمینی آن و نیروهای شگرف انسانی این کشورها سودهای سرشار و بی اندازه ای

برده و افراد بدبخت و غافل را بی پروا قربانی مطامع و هوسهای جابرانه خود بنمایند.

در جهان، بخصوص در دنیای قبل از جنگهای اخیر سرنوشت ملتهای کوچک و ضعیف بطور کلی در دست قدرتهای بزرگ اقتصادی و سیاسی بود که از آن هر نوع استفاده ای که منافعشان لازم داشت میکردند.

این قدرتمندی انحصار طلب هیچگونه ارزشی برای منافع این ملتها، افکار عمومی آنها، و حتی برای تقاضاهای طبقات فرمانروای این کشورها قائل نبودند. نیروی مادی و محاسبات دقیق سودجویانه این قدرتها یگانه عامل مؤثر بشمار میرفت

همانطوریکه در فوق متذکر گردیدیم این قدرتهای مؤثر بادور نگاهداشتن ملتها از یکدیگر و برافروختن آتش اختلافات ملی و مذهبی در میان آنان بانجام مقاصد خود موفق و از ثمرات آن کامیاب میگرددیدند. باتمام این احوال درمیان کشورهای آسیائی تنها کشور هندوستان بود که توانست در اثر فداکاری و جانبازی مردان شجاع و مبارزی چون

مهااتما گاندی (۱) پس از يك سلسله مبارزات خونین و فداکاری های درخشان زنجیرهای بردگی و عبودیت را که بدور هستی و موجودیت او سالیان متمادی چون تارهای عنکبوت تنیده گردیده بود پاره نماید و از نو استقلال از دست رفته را بازیابد و از زیر یوغ استبداد خود را نجات بخشد.

فصل دوم

چگونگی تقسیم شبه قاره هند

کنگره ملی هندو تحت هدایت رهبران بزرگ خود همیشه سعی میکرد تا بین کلیه ارکان اجتماع هندوستان يك همبستگی و همکاری حقیقی بوجود آورد. ولی بدبختانه دسائس و اعمال نفوذ خارجیان سبب گردید تا هندوستان را ابتدا تجزیه و بعد مستقل سازند. گرچه این امر هم باموافقت کنگره و اتحادیه مسلمین و رهبران سیک انجام یافت ولی حوادثی که عمال بیگانه مصنوعاً در سال ۱۹۴۶ بوجود آوردند كمك مؤثری بدین مسئله نمود و در حقیقت کنگره ملی هندوستان یکبار در مقابل عمل انجام شده ای قرار گرفت. ناگفته نماند که در زمان جنگ برای آنکه دولت انگلستان بتواند از وسائل مختلفه ؛ اعم از نیروهای نظامی ؛ قدرت اقتصادی و همچنین موقعیت استراتژیکی هندوستان

بنحو احسن استفاده کند ، و در ضمن برای آنکه کنگره ملی هندوستان را با انجام این مسئله آماده سازد نقشه خود را مبنی بر دادن استقلال به هندوستان طرح و بسران و رهبران سیکها و کنگره ملی هندو و اتحادیه مسلمین اعلام داشت .

بعد از جنگ کمیته ای مرکب از سه نفر سیاستمداران انگلیس مانند سر استافورد کریس به هندوستان جهت مذاکره در امر فوق رفتند ؛ پیشنهاد میسیون مذکور مورد قبول کنگره و اتحادیه مسلمین قرار گرفت و آنگاه نمایندگان جهت اطلاع کلیه شاهزاده نشینها نسبت به تدوین و وضع نقشه جدید از طرف دولت مرکزی اعزام شدند .

دریست و نهم ژوئیه ۱۹۴۶ کمیته مرکزی اتحادیه مسلمین میتینگ در بمبئی ترتیب داد و رهبران اتحادیه پس از آنکه نطق های مفصل درباره نحوه استقلال هندوستان بیان داشتند اعلام نمودند که ما از سیاست مستقیمی جهت ایجاد یک کشور مستقل از مسلمانان پیروی نموده و هیچگاه زیر بار او امر سایرین نخواهیم رفت . آقای فیروز خان یکی از رهبران اتحادیه همان روز در طی نطق خود چنین گفت :

«ما در آستانه يك صحنه تراژدی هستیم!» زیرا نه هندوها و نه انگلیسیها نمیخواهند بکنه احساسات ما پی برند. ما جنگ را شروع میکنیم و اگر خودمان نابود شویم بالاخره فرزندان ما کشور مستقلى جدا از هندوها خواهند داشت و اگر پیش از اجرای منویات ما دولت انگلستان مبادرت به امضای يك تکه کاغذ بدون ارزش و بها که حاوی استقلال هندوستان است بنماید آن استقلال پایه و اساس نداشته و بیش از چند صباحی دوام نخواهد کرد زیرا عیناً مانند قراردادی خواهد شد که چمبرلین در مونیخ با هیتلر منعقد نمود آنوقت ما بجرأت میتوانیم بگوئیم که دولت بریتانیا در ایجاد يك شورش عظیم خود را شریک نموده است. در هر حال؛ در صورت انجام چنین امری اعمالی را که چنگیز خان در قرون قبل مرتکب گردید در این کشور و بدست فرزندان همین آب و خاک دوباره تکرار خواهد گردید؟؟

در سال ۱۹۴۶ کلیه احزاب موجود در هندوستان با تقاضای میسیون اعزامی موافقت خود را رسماً اعلام نمودند ولى اتحادیه مسلمین بطور کلی پیشنهاد میسیون مذکور را رد کرد

ولی چندی بعد در اثر تحولانی که بوقوع پیوست نایب السلطنه بوزیران کنگره اطمینان داد که رهبران اتحادیه مسلمین کاملاً با منویات شما همکاری نموده و در آینده در امور کشاورزی و سیاسی اقدامات مؤثری خواهند نمود. از آن پس در اکتبر ۱۹۴۷ اتحادیه مسلمین الحاق خود را نسبت بموارد فوق اعلام نمود. بلافاصله آقای لیاقت علیخان که در آنوقت سمت نمایندگی اتحادیه مسلمین را دارا بود نطقی علیه دولت مرکزی ایراد کرد که در طی آن چنین خاطر نشان ساخت: «اتحادیه ما این مذاکرات را رسمی نمیشمارد!» و چندی بعد محمد علی جیناح که سمت پیشوائی مسلمین را داشت خطاب بواعظین دانشمند مسیحی گفت: «اعضاء اتحادیه در تشکیل و اجرای مقاصد میسیون شریک دولت مرکزی نیستند و تنها موافقت ما برای حفظ و حراست مسلمانان است ماهنوز مبارزات خونینی در پیش داریم»

در ششم دسامبر ۱۹۴۶ دولت بریتانیا اعلامیه‌ای صادر نمود که حاکی از مذاکرات دولت مذکور باجناب پاندیت نهرو و محمد علی جیناح و لیاقت علیخان و سردار بالادوسینک

در خصوص مواد پیشنهادی میسیون بود

انتشار این اعلامیه زیاد در جریان اوضاع مؤثر واقع نگردید و نطق‌های تحریک آمیز بعضی از رهبران احزاب باعث ایجاد بلوا در شهر کلکته و سپس در مارس ۱۹۴۷ در پنجاب و سایر نقاط شد؛ دولت مرکزی برای خواباندن این بلوا اقدامات مؤثری کرد و در نتیجه از ایجاد حکومت واحدی که متضمن اتحاد افراد هند باشد نا امید گردید.

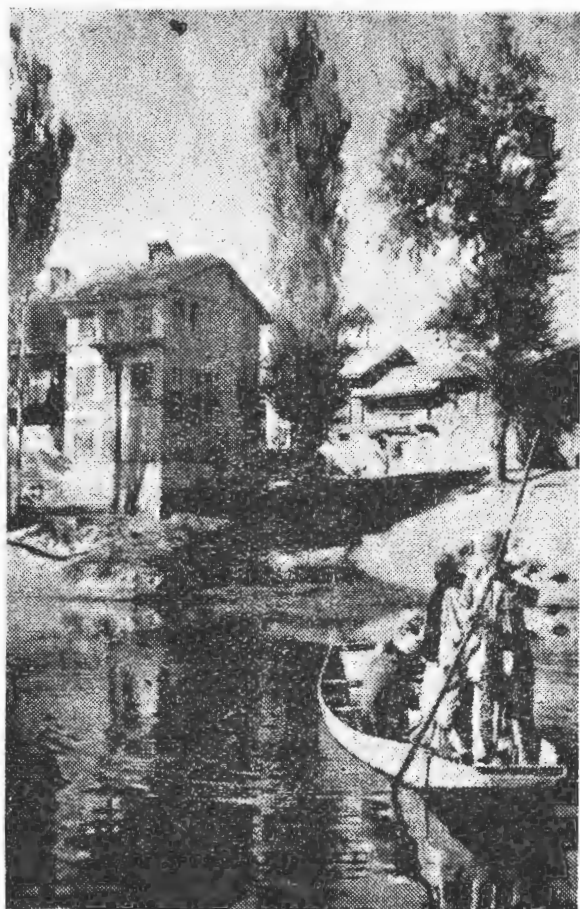
روی همین جریانات در ۲۰ فوریه ۱۹۴۷ نخست وزیر انگلستان یعنی مستر اتلی در مجلس عوام نطقی ایراد کرد و پس از آنکه حقایق اوضاع هند را تشریح نمود الزام تقسیم هندوستان را با «تأثر» بیان کرد. در نتیجه در ۳ ژوئن ۱۹۴۷ آخرین اعلامیه دولت بریتانیا در هند که متضمن تقسیم کشور مذکور بود انتشار یافت.

در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ کشور هندوستان بدو قسمت هند و پاکستان تقسیم و در ردیف ممالک مشترك المنافع قرار گرفتند. آنگاه بکلیه شاهزاده نشینها پیرو مذاکرات قبلی اطلاع داده شد که الحاق خود را با در نظر گرفتن تمایل

اکثریت بیکی از دو کشور هندو و پاکستان اعلام نمایند .
پس از صدور اطلاعیه فوق عده‌ای از مهاراجه نشینها به هندو
و تعدادی هم تقاضای الحاق به پاکستان را کردند ... ولی
یکی از مهمترین نقاطی که تا با امروز هم ما بین دو کشور مسئله
غامضی را تشکیل داده منطقه کشمیر است که از نظر بعضی موارد
اطلاع از اوضاع عمومی آن کاملاً در خور دقت و امعان نظر میباشد .

فصل سوم

جامو و کشمیر



آیا محیف نیست که چنین زندگی آرام و دلپذیری
را متجاوزین پاکستانی بر هم زنند ؟

امارت جامو و کشمیر که بواسطه کوه‌های گردنکش و رودخانه‌های عظیم و زیبا بقطعات چندی تقسیم شده است بین ۱۷۳۲ و ۵۸۳۶ درجه عرض شمالی و ۷۳۳۶ و ۸۰۳۰ درجه طول خاوری در قاره آسیا قرار دارد .

این امارت از طرف شمال بدو جمهوری اتحاد جماهیر شوروی و چین و کشور افغانستان و از شمال باختری و باختر باستانهای مرزی شمال باختری و ولایات پنجاب غربی و از جنوب خاوری بکشور هندوستان محدود گردیده و از مشرق بفلات مرتفع تبت ورشته جبال عظیم هیمالیا تکیه دارد .

امارت کشمیر ۸۴۴۷۱ میل مربع مساحت دارد یعنی در حقیقت بزرگتر از مجموع مساحت اسکاتلند و انگلستان میباشد.

بطور کلی از این اراضی وسیع و پهناور دو ناحیه متمایز و مشخص از یکدیگر تمیز داده میشود.

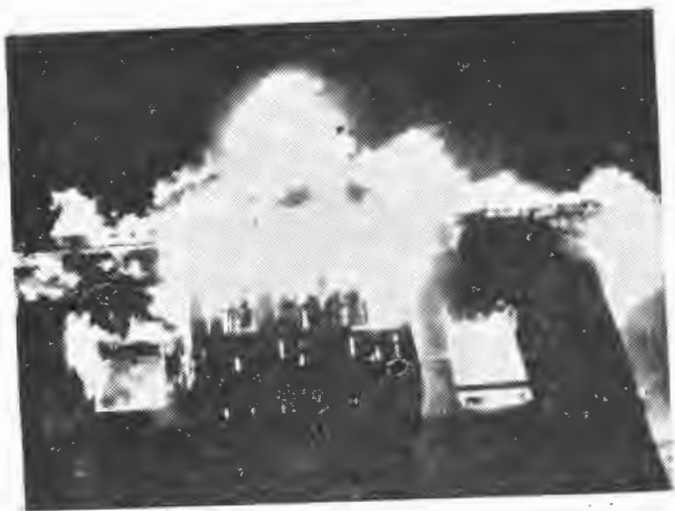
نخست دره کشمیر که دارای ۸۴ میل طول و ۲۵ میل عرض و ۸۵۳۹ میل مربع مساحت و ۱۷۲۸۷۰۵ نفر جمعیت است و شهر سرینگار (۱) در وسط آن میباشد و رودخانه معروف جلوم (۲) در میان آن از سمت خاور بباختر جریان دارد.

دوم دشت جامو (۳) که ۱۲۳۷۸ میل مساحت و ۱۹۸۱۴۳۳ نفر جمعیت داشته و بدشتهای پنجاب متصل میگردد و از طرف باختر به ناحیه «راولپندی» و «بزاره» رسیده و بوسیله رود جلوم جدا میشود.



از لحاظ تقسیمات اداری کشمیر بچهار قسمت مشخص تقسیم گردیده است.

- ۱ - استان جامو که شامل نواحی جامو؛ میر پور کالوآ - ریزی و ادام پور میباشد. دو منطقه پونچ و



ارتش متجاوز پاکستان بوسیله مواد محترقه هر کجارا
بزور اشغال میگردند اینطور طعمه حریق میساختند .



نمونه دیگری از آتش سوزیها که بدست متجاوزین
پاکستانی در کشمیر انجام گردید .

چینیانی جاگیرز نیز جزو این استان محسوب میگردد .
۲- استان کشمیر که شامل سرینگار - انان تناک -

مظفر آباد و استور میباشد

۳ - منطقه لاداخ

۴ - نواحی گیلکیت

مناطق لاداخ - گیلکیت و استور از استان کشمیر را

مناطق مرزی مینامند که دارای ۶۳۵۵۴ میل مساحت و ۳۱۱۴۷۸ نفر جمعیت میباشد .

در تمام امارت کشمیر فقط يك راه آهن بطول ۱۶ میل

وجود دارد که استان جامورا بشهر سیالکوت در پنجاب باختری

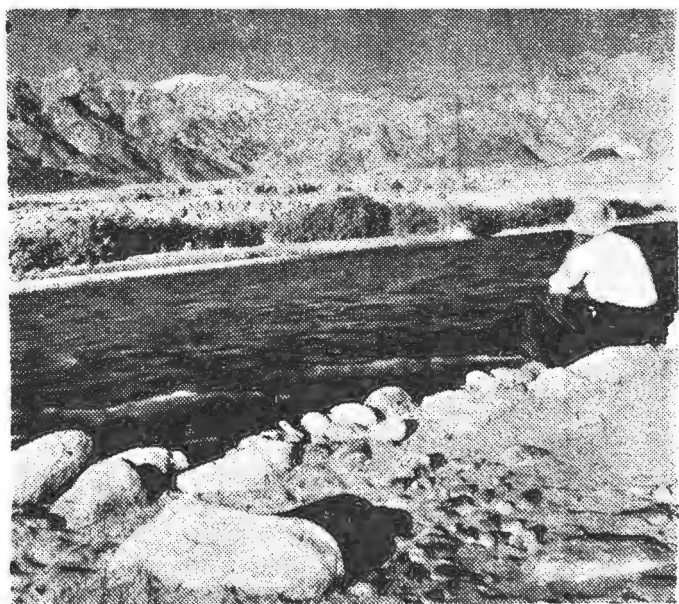
متصل میسازد . علاوه بر راه آهن مزبور ۳ راه شوسه که در

تمام سال قابل عبور و مرور نمیباشد در کشمیر وجود دارد

اولی راه سریناگار - دمل - راول پندی و دومی راه

سیریناگار - دمل و ابوت آباد و سومی جاده ایست که از جامو

به پاتانکوت در خاور پنجاب کشیده شده است .



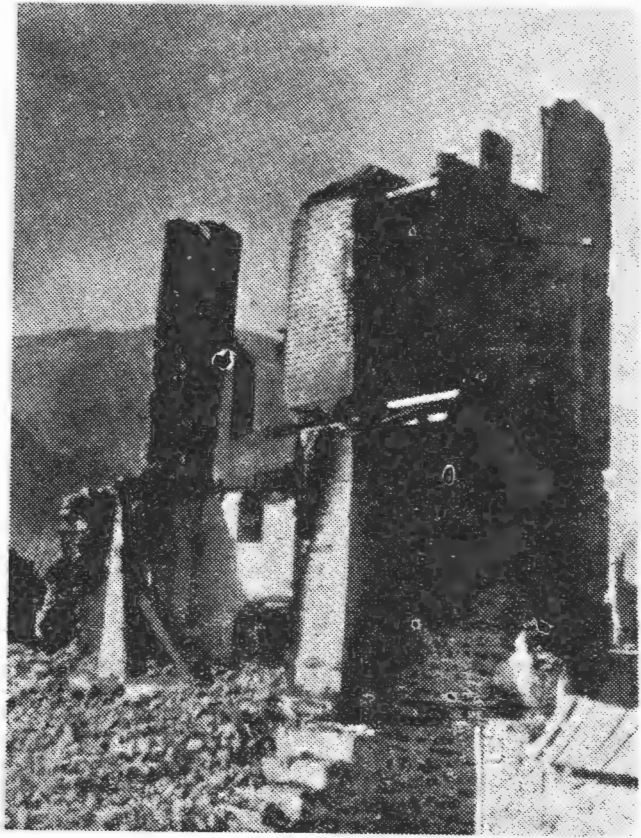
منظره‌ای دلپذیر از کشمیر

نگاهی بگذشته کشمیر

از اوایل قرن پانزدهم مردم کشمیر متدرجاً بر اثر فعالیت و کاردانی پادشاه خود موسوم بزمین العابدین بصنایع ظریفه‌ای که دردنیای آنروز در کشور ایران وسایر نقاط آسیا مرسوم و متداول بود آشنا گردیده و با آمیختن ذوق و سلیقه خاص هندی صنایع ظریف و بدیعی بوجود آوردند.

در سال ۱۵۸۷ میلادی اکبر شاه که از شاهان مقتدر هندوستان و از نواده‌های مغول بود کشمیر را تسخیر نموده و در حقیقت استان زیبائی از هند را که تا آنوقت برخلاف اصول کشورداری بتمنهائی میزیست ضمیمه هندوستان نمود.

از سال ۱۵۸۷ تا ۱۷۵۲ یعنی مدت ۱۶۵ سال کشمیر تحت قدرت حکومت مرکزی بود. موقعی که امپراطوری عظیم مغول در هندوستان سقوط نمود کشمیر تحت نفوذ و قدرت سلاطین افغانستان قرار گرفت و حکمرانان کشمیر دیگر تابع کابل بوده و خود را امارتی جدا از هندوستان میانگاشتند



متجاوزین پاکستانی خانه های کشمیری ها را اینطور مخروبه ساخته اند
عکس فوق بیمارستان برمولا را نشان میدهد

در عرض مدت ۶۷ سال که کشمیر تحت نفوذ و قدرت سلاطین افغانستان قرار داشت بهیچوجه نتوانسته بود مانند گذشته باصلاح امور و تقویت قدرت اقتصادی خود بپردازد.

بالاخره در سال ۱۸۱۹ سیمکها افغانها را از کشمیر بیرون رانده و خود زمام حکومت کشمیر را بدست گرفتند.

در سال ۱۸۲۰ يك فرمانده هند و بنام گلاب سینك فرمانروائی ایالت جامورا از طرف مهاراجه فرمانروای لاهور بنام «رانجیت سینك» بعهده گرفت.

گلاب سینك چون ذاتا مردی مدبر و کارآمد بود در اندك مدتی نواحی پونج- لاداخ- بالتستان را بناحیه تحت فرمانروائی خود اضافه نمود و بالاخره بر اثر شهامتی که در سال ۱۸۴۱ برای از بین بردن يك شورش ماجراجویانه‌ای از خود بروز داد بر سراسر خاك کشمیر تسلط یافت.

گلاب سینك همانطور که در فوق ذکر شد چون ذاتاً مردی توانا و کارآمد بود باعث نگردیدنی حکمرانان الات دیگر گردید و بر روی همین اصل در سال ۱۸۴۵ رانجیت سینك برانگیخته گردید که برای از بین بردن گلاب سینك

ارتش مجهزی بجامورو وانه دارد. پس از آنکه سربازان بخاك جامو رسیدند چون گلاب سینك خود را همیشه تابع حكومت مركزی میدانست تسلیم ارتش سینك شد.

تسلیم گلاب سینك بارتش سینك مقارن با پیشرفت ارتش انگلستان در هندوستان و زد و خورد شدید آنها بارتشهای سینك بود.

فرماندهان انگلیسی که از موقعیت گلاب سینك و قدرت مالی او در کشمیر مستحضر گردیدند بعداً گلاب سینك را بفرمانروائی کشمیر انتخاب نموده و در ازای گرفتن مبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ روپیه قراردادی با مشارالیه بنام قرارداد امرتسیر منعقد نمودند.

عهدنامه امرتسر

عهدنامه ایکه بین دولتین انگلیس و مهاراجه کلاب
سینک در ۱۶ مارس ۱۸۴۶ میلادی در امرتسر منعقد گردید
بنام عهدنامه امرتسر معروف است .

این عهدنامه را ازطرف دولت انگلیس مستر فردریک
کوری و براوت مائر هنری و مونت گمری و سورانس
تحت تعلیمات سرهنری هاردینج سی - بی (فرمانروای
کلوارشدترین مشاور محرمانه علیاحضرت ملکه انگلستان
بوده و ازطرف کمپانی هند شرقی برای اداره کردن و سرپرستی
کلیه امور آنها در جزائر هند شرقی تعیین شده) و ازطرف دیگر
شخص مهاراجه کلاب سینک منعقد نمودند .



مواد قرار داد

ماده اول - دولت انگلیس کلیه زمینهای کوهستانی و
تپه ها و متعلقات ایالت واقع در مشرق رودخانه ایندوس و مغرب
رودخانه را اول را که شامل چمپا و بحر لاهول (که قسمتی از زمینهای



منبت کاری و مشبك کاری کشمیر بخصوص روی چوب‌های
خوب شهرت جهانی دارد .
در این تصویر یکی از استادان فن با چند نمونه از
کارهایی که کرده دیده میشود .

واگذاری به دولت انگلیس از طرف ایالت لاهور بموجب شرایط ماده ۴ عهدنامه لاهور مورخه ۹ مارس ۱۸۴۶) میباشد به مهاراجه گلاب سینک و وارث ذکور او انتقال میدهد و بطور مستقل تحویل و واگذار مینمایند.

ماده دوم - حدود شرقی ناحیه واگذاری به مهاراجه گلاب سینک بموجب ماده فوق الذکر بوسیله کمیسیون که از طرف دولت انگلیس و مهاراجه گلاب سینک بدین منظور انتخاب خواهد شد تعیین و پس از مساحی در عهدنامه جداگانه ای تصریح خواهد گردید.

ماده سوم - درازای واگذاری این ناحیه بایشان و ورثه وی بموجب مفاد ماده فوق الذکر مهاراجه گلاب سینک مبلغ ۷۵۰۰/۰۰۰ روپیه (نانو ك شاهى) بدولت انگلیس خواهد پرداخت بدین ترتیب که ۲- آن هنگام تصویب این عهدنامه و ۱/۴ دیگر قبل و یا در تاریخ اول اکتبر سال جاری (۱۸۴۶) پرداخت خواهد شد.

ماده چهارم - حدود سرزمینهای قلمرو و مهاراجه گلاب سینک هیچگاه بدون موافقت دولت انگلیس تغییر داده نخواهد شد.

ماده پنجم - هر گونه ادعائی یا اختلاف نظری که بین مهاراجه گلاب سینک با حکومت لاهور و یاهریک از ایالات همجوار پیدا شود به حکمیت دولت انگلیس مراجعه خواهد شد و مهاراجه گلاب سینک ملزم بقبول تصمیم دولت انگلیس میباشد.

ماده ششم - مهاراجه گلاب سینک از طرف خود تعهد میکند که در مواقعیکه نیروهای انگلیس در قلمرو آنها و یا در سرزمینهای مجاور و از عملیات نظامی شوند خود و کلیه نیروهای نظامی که در اختیار دارند به نیروهای انگلیسی ملحق گردند.

ماده هفتم - مهاراجه گلاب سینک تعهد میکند که هیچگاه هیچیک از اتباع انگلیس یا اتباع دول اروپا یا کشورهای امریکا را بدون موافقت دولت انگلیس در دستگاه خود استخدام نکند و نگاه ندارد.

ماده هشتم - مهاراجه گلاب سینک تعهد میکند در خصوص زمینهای که به او واگذار شده مفاد مواد ۵ و ۶ و ۷ تعهدات جداگانه ایراکه بین دولت انگلیس و دربار لاهور در ۱۱ مارس ۱۸۴۶ منعقد شده محترم شمارد.

ماده نهم - دولت انگلیس به مهاراجه گلاب سینک در راه حفظ سرزمینهای وی از دشمنان خارجی کمک و مساعدت

خواهد کرد .

ماده دهم - مهاراجه گلاب سینک سیادت دولت انگلیس را بر خود خواهد شناخت و برای تأیید شناسائی این سیادت سالیانه يك رأس اسب و دوازده رأس بز صحیح النسب (كه شش رأس آنها بز نروشش رأس آنها ماده میباشد) و سه زوج شال کشمیری اعلى به دولت انگلیس پیشکش می‌کند .

این عهدنامه كه مشتمل بر ۱۰ ماده است در این روز بین آقایان فردريك كورى - سر هنر هاردينج جی - سی - بی فرمانروای كل از طرف دولت انگلیس و شخص مهاراجه گلاب سینك مورد موافقت قرار گرفت و در همین روز بامهر جناب سر هنری هاردينج جی . سی . بی فرمانروای كل بتصویب رسید این عهدنامه در امرتسیر در این روز ۱۶ مارس ۱۸۶۴ میلادی كه مطابق با ۱۷ ربیع الاول ۱۲۶۲ هجری است تهیه و تصویب گردیده است .

اچ - هاردينج (ال - اس .)

اف . كاری

اچ . ان . سورانس گلاب سینك (ان . اس)



مهراجہ کلاب سینک در سال ۱۸۵۲ میلادی در گذشت



جناب شیخ عبدالله رئیس دولت کشمیر کہ ملقب
ہے (شیراز کشمیر) است

پس از مهاراجه مزبور را بنیر سینک بجای وی منصوب و تا سال ۱۸۸۵ فرمانروائی کرده. و بعد از «پرتاپ سینک» عهده دار اداره امور کشمیر گردید و پس از چهل سال فرمانروائی در سال ۱۹۲۵ میلادی بسر عمر وی مهاراجه هرمی سینک بفرمانروائی امارت کشمیر منصوب گردید که هم اکنون اداره امور کشمیر را بر عهده دارد آنچه اکنون راجع بقرار داد امر تسیر مورد بحث و گفتگو قرار گرفته این بوده است که «شخصی» بنام گلاب سینک بدون هیچ گونه جهت و سببی يك قطعه خاك بزرگی بنام کشمیر را از انگلستان بمبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ روبیه خریداری کرده و در ازاء پرداخت این مبلغ از ظلم و جور آنچه در قدرت داشته فروگذار ننموده است در حالیکه اگر بانظری حقیقت بین مسائل را از یکدیگر تفکیک نموده و قضایا را آن گونه که صورت وقوع یافته و یا بقولی حقایق را از نظر علمی تر بررسی نموده و تحت تدقیق و تحقیق قرار دهیم نکاتی چند بر ما واضح و آشکار خواهد شد اول اینکه راجه گلاب سینک با هر شخص دیگری اگر حاضر نمیگردید که مبلغ مزبور را پرداخته و امارت بزرگی مانند کشمیر را از چنگال تعرض ارتش خارجی نجات بخشد بطور قطع و یقین کشمیر هم مانند

دیگر امارات هند تحت سیطره و نفوذ عمال حکومت اجنبی قرار میگرفت. پرداخت مبلغ چند میلیون روپیه درازاء نجات امارت بزرگ و زیبائی؛ هرچند در سالهای بعد باعث تغییرات گوناگون گردیده است؛ ولی در باطن و حقیقت امر دهاء وزیر کی و کاردانی راجه گلاب سینک با توسل به پرداخت چند میلیون روپیه در هنگامی که ارتش انگلیس از هر حیث در مضیقه مالی قرار داشت و نجات چند میلیون نفر هندی از تحت سیطره سربازان انگلیس کاملاً بمنصه بروز و ظهور رسید.

باید همیشه سعی کرد تا قضا یا و مسائل را آنطور که هست مورد تحقیق و تفحص قرار داد تا بتوان از آن نکاتی را استنتاج کرد

نویسندگان متعصب و مزدوری که تاکنون در این خصوص بحث نموده اند هیچگاه نخواسته اند باین حقیقت توجه داشته باشند که اگر گلاب سینک حاضر نمیشد که با ارتش متجاوز انگلیس بنحوی از انحاء که موقعیت زمانی ایجاب آنرا لازم و واجب بشمار آورده بود کنار آید و سرزمین زیبای کشمیر را از میدان جنگ و خونریزی دورنگاه دارد چه موقعیت خاصی برای اهالی ستم دیده کشمیر بوجود می آمد.

واقعا چرا نباید حقایق قضایا را مورد بحث قرار داد چرا باید قضایا را صرفاً از نظر تعصب و عدم توجه بموقعیت «زمان» تحقیق کرد .

يك آرتش نیرومند خارجی کشور را مورد تهاجم و تهدید خود قرار داده است.

هیچ نیرو و قدرتی^۱ در داخل کشور برای برابری با چنین قدرتی وجود ندارد عملاً هم باثبات رسیده که شهرهای مفتوحه در برابر سربازان خارجی در هر حال منکوب و مغذول میگردند

حال با چنین کیفیتی اگر گلاب سیک موفق گردید با آب تدبیر آتش سوزنده ای را فرو نشانند باید مورد شتم و غضب متفلسفین اهور اجتماعی و کناره نشینانی که گذشت عمر را در قدح باد و چشمان مخمور یار میدانند قرار بگیرد و واقعا جای تحیر و تأسف است ؟

از طرف دیگر موضوع مهمی که امروز دستاویز حمله و ادعاهای واهی را نسبت بکشمیر موجب گردیده است عبارت از این میباشد که هری سینگ راجه فعلی کشمیر و اسلاف او نسبت بجامو و کشمیر بیگانه اند این مسئله بیش از هر



يك منظره عمومى ديگر از جمله خرابكارى هاى پاكستانى ها:
در كشمير - ناحيه پاتان

چیز قابل توجه است که بدین وسیله میخواهند رابطه معنوی و ناکسستگی را که مابین کلیه ساکنین قاره هندوستان وجود دارد و هیچ عامل مخربی ممکن نیست آن را از یکدیگر جدا سازد بگسلانند و عملاً افراد يك مرز و بوم کشور کهنسال را نسبت بیکدیگر دشمن و خشمگین سازند .

بزرگترین حربه ای که در کشمیر بکار برده میشود و بوسیله آن هم موفق گردیدند هندوستان را تقسیم نمایند موضوع مهم مذهب است .

میخواهند اساس تقسیمات تصنعی و غیر طبیعی خود را بر روی اصول مذهبی مستقر سازند و متدرجاً ملییتی که پایه های آن روی حسن قوی مذهبی باید قرار گیرد بوجود آورند و حال آن که موضوع کاملاً بر خلاف اینست زیرا ملیت و مذهب دو امر کاملاً متمایز و جدا از یکدیگرند .

یکفر هندی اگر مسلمان یا بودائی یا مسیحی باشد

باز هم هندی است مذهب در هندی بودن یا نبودن يك فرد هیچ گونه تفاوتی ندارد با این وضعیت هیچگاه نمیتوان گفت راجه ای که فعلاً بر کشمیر حکومت میکند یا اسلاف او مثلاً

نسبت بایالات کشمیر و جامو بیگانه بوده اند .

ریشه های عمیق تر و خطرناک تری را با اندکی دقت
 بخوبی میتوان در مبارزه ای که هم اکنون در کشمیر جریان
 دارد تشخیص داد . عواملی که باعث بروز این جنجال عجیب
 گردیده است درك نمود . با ذکر این مطالب بخوبی میتوان
 فهمید که عوامل برانگیخته شده فعلی در کشمیر همگی
 ساخته و پرداخته دست آن کسانیست که نمیخواستند و
 نمیخواهند هندوستان مستقل و برومندی بوجود آید ولی
 خوشبختانه برخلاف کلیه دسایس و حیل و حیل که برای انجام این
 مقصود تاکنون بکار رفته موفقیت نصیب آزادیخواهان
 باشاهات هندی گردیده و دیر یازود بموقعیتهای شایان دیگری
 دست خواهند یافت

نکته دیگری که شایان دقت و امعان نظر بوده و بیش
 ازپیش روشن شدن موضوع کمک مینماید اینست که یکی
 از شرایط استقلال هند این بود که مهاراجه ها چنانکه قبلا
 ذکر شد باختیار خود بدولتین هندوستان و پاکستان
 ملحق گردند و حال که مهاراجه کشمیر الحاق خود را سه

دولت هندوستان یعنی مادر اصلی خوداء--لام داشته موضوع مذهب و دل سوزی بحال مسلمین کشمیری شروع گردیده است و حال آنکه دولت پاکستان کوچکترین علاقه بحال مسلمین کشمیری نداشته و نظرش تنها تصرف کشمیر است دلیل این مدعی هم بخوبی روشن و واضح است سراون دیکسن میانجی سازمان ملل متفق در کشمیر برای حل باصطلاح مسالمت آمیز قضیه در ضمن پیشنهاد طرحهای خود بدولتین پاکستان و هندوستان پیشنهاد کرده که هر يك قسمتی از خاك کشمیر (جامو) را تصرف نموده و فقط دره کشمیر باراء عمومی مراجعه شود

سراون دیکسن در اعلامیه ای که بمناسبت ماموریت

خود منتشر نموده راجع بتقسیم کشمیر چنین مینویسد

» در مذاکره بامقامات پاکستان دریافتم که آماده می باشند پیشنهاد تقسیم کشمیر را مورد مطالعه قرار دهند ولی اگر هم طرفین موافقت می کردند که بدون مراجعه بآراء عمومی کشمیر تقسیم گردد باز هم واضح بود که هر يك از طرفین اصرار خواهند ورزید که دره کشمیر در سهم آنها قرار گیرد



دروست لدمای اِداخ دیده میشود . در طی مسافرتی به
دهلی از رؤسای دولت هند تقاضای دفاع از کشمیر و لداخ را
نموده است .

پس با این ترتیب بخوبی روشن و واضح میگردد که دیگر دولت پاکستان نمیتواند بعنوان اینکه اکثر سکنه کشمیر مسلمان هستند سنک دوستی بیجهت آنان را بسینه بزند این دولت پاکستان است که برای گرفتن نقطه ای از دولت هند چانه میزند والا کوچکترین علاقه ای بمردم بدبخت و فلکزده کشمیر ندارد.

اگر واقعاً دولت پاکستان تنها نظرش در این مورد حمایت از مسلمین بود یا اینکه اساساً کشمیر را حق مسلم (!!) خود میدانست چگونه راضی به تقسیم کشمیر میگردد؟ این امر نشانه روشن و مدلل است که دولت پاکستان تنها علاقه بخاک کشمیر دارد نه مردم آن و اصولاً چون از مراجعہ بآراء عمومی بیم دارد نسبت به پیشنهاد یکسوی سرطاعت فرود آورده است.

گذشته از تمام این مراتب سالهای متمادی است که مردم کشمیر برای بدست آوردن آزادی خود در تحت قیادت و رهبری شیخ عبدالله وارد مبارزه گردیده است

پس از خاتمه جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۳۸ که رسماً کنفرانس ملی را شیخ عبدالله تشکیل داد کشمیریان دوش

بدوش برادران هندی خود برای بیرون راندن انگلیسها مبارزه نموده اند.

در سال ۱۹۳۹ کنفرانس ملی جامو و کشمیر قطعنامه‌ای منتشر ساخت و از دولت تقاضای آزادی بیشتر و تغییر روش در طرز اداره امور داخلی را خواستار گردید.

در اثر مبارزات خستگی ناپذیر که شیخ عبدالله مینمود چندین مرتبه بازداشت گردید تا اینکه در سال ۱۹۴۶ (ماه مه) که کنفرانس ملی به تبعیت از کنگره ملی هند تقاضای تخلیه کشمیر را از نیروهای بیگانه نمود بازداشت و محکوم به سه سال زندان گردید و حتی شخص پاندیت جواهر لعل نهرو که برای دفاع از شیخ عبدالله در دادگاه به کشمیر رفت بازداشت و از کشمیر اخراج شد. بالاخره همانطور که در صفحات قبل متذکر گردیدیم دولت انگلستان در سوم ژوئن ۱۹۴۷ نقشه خود را مبنی بر تقسیم هندوستان اعلام داشت و در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ دو کشور پاکستان و هندوستان بوجود آمدند و این حق هم برای کلیه امارات محفوظ ماند که بهر يك از دودومینون که بخواهند میتوانند به پیوندند دولت پاکستان از همان هنگام چون خیال تصرف کشمیر را داشت بالینکه هنوز هیچگونه تمایلی از طرف امارت کشمیر

مبنی بر الحاق به یکی از دو کشور بعمل نیامده بود کشمیر را کاملاً تحت محاصره اقتصادی خود گرفت و این محاصره تا آخر اکتبر ۱۹۴۸ که امارت کشمیر از دولت هندوستان تقاضای کمک نظامی کرد ادامه داشت. و از جهات دیگری هم دولت پاکستان کشمیر را تحت فشار قرار داده بود. تا الحاق خود را بکشور پاکستان اعلام دارد

دولت پاکستان که میدید برخلاف فشار های وارده بانجام مقصود موفق نمیکرد در صدد آن برآمد که بوسیله نیروی نظامی اینکار را انجام دهد؛ اما اعزام نیرو عملی نبود که بی سروصدا بتواند انجام گیرد. این بود که دولت پاکستان در صدد آن برآمد تا برای عملی ساختن مسئله فوق بحیله ای متوسل گردد و این نیروی بدست سازمان مذهبی که بنام کنفرانس مسلمین خوانده میشود انجام و اغتشاش مختصری در کشمیر بوجود آورند.

همینکه نیروهای امارت کشمیر خواستند جلوی اعمال خلاف رویه اعضای کنفرانس را بگیرند. دولت پاکستان همراه با یک موج تبلیغات شدید عشایر مرزی خود را بعنوان حمایت از « برادران دینی » خود با تجهیزات

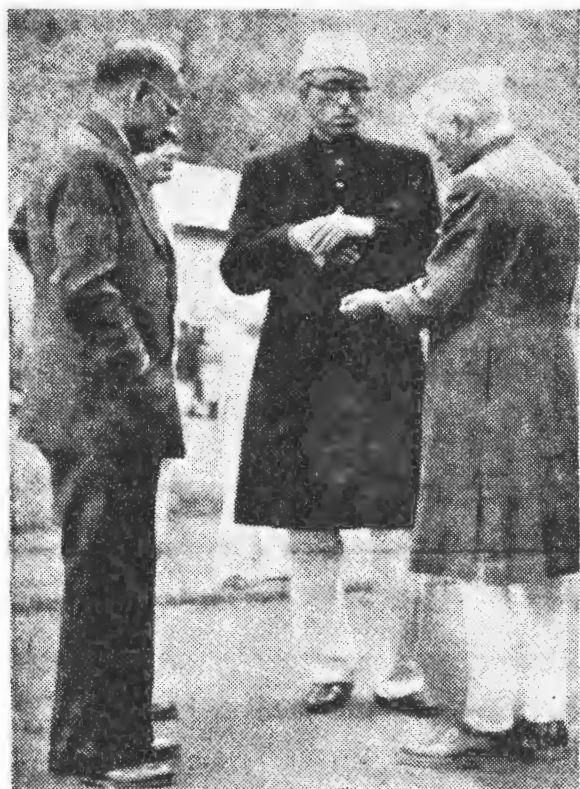
کامل بکشمیر فرستاد . نکته دقیق دیگری در اینجا وجود دارد که درخور بحث است

عشایر مرزی پاکستان اصولاً مردمانی خشن و جنگجو میباشند که در تمام مدت حکومت دولت انگلستان بر هندوستان با گرفتن حق السکوت مرتب و زیاد برای نیروهای انتظامی هندوستان ایجاد درد سر نمیکردند عشایر مزبور سالیان متمادی بگرفتن پول که برای آنها در حکم ماهیانه محسوب میکردید عادت نموده بودند

پس از تخلیه هندوستان از نیروهای انگلیس دولت پختوستان دیگر نه آن قدرت مالی را داشت که بتواند حقوق قدیمی را بعشایر بیردازد و نه آن قدرت نظامی را دارا بود که بتواند آنها را سرکوب نماید بخصوص اینکه تبلیغات ایجاد دولت پختوستان در میان عشایر روز بروز تقویت میگردد دولت پاکستان با اعزام افراد آنها بکشمیر و مسلح ساختنشان بایک تیرد و نشان میخواست بزند . هم برای مدتی عشایر مزبور را سرگرم سازد و هم مقصود دیرینه خود را که تصرف کشمیر بود بانجام رساند اگر دولت پاکستان بانجام چنین امری مبادرت نورزیده و عبارت ساده تر نیروهای مزبور

بدستور دولت پاکستان بکشمیر حمله نه نموده اند پس اسلحه و مهمات آنها که فقط در تصرف دولتها است از کجا آمده است جز اینکه بگوئیم دولت پاکستان برای حمله بکشمیر عشاير را مسلح ساخته است راه ديگري در بين نيست

بهر صورت نيروهاي عشاير از اکتبر ۱۹۴۷ حمله خود را بکشمير آغاز نمودند شهرها، دهات، قراء و قصبات را در راه خود سوزانيدند مردم بي پناه را گلوله باران نموده و خونهاي مظلومين را بر زمين ريختند نيروهاي منظم نظامي دولت پاکستان هم عصر يکي از روزهاي نوامبر ۱۹۴۷ مستقيماً بکشمير حمله نموده و خود را بچهار ميلي سرباز و پايخت کشمير رسانيدند تا اين تاريخ هنوز هيچگونه تقاضائي از طرف امارت کشمير مبني بر الحاق به پاکستان يا هندوستان بعمل نيامده بود و بر طبق موافقتنامه ژوئن ۱۹۴۷ هم امارت مزبور در تعيين سر نوشت خود آزادانه شد حق رأي داشته و اگر هم بر فرض بي عدالتيهاي در داخله امارت بوقوع مي بيوست جلوگيري از آن بر طبق اصول بين المللي ميبايست انجام بگيرد. با اين ترتيب دولت پاکستان براي حمله بکشمير چه دليلي ميتواند آماده نمايد. آخر چه مجوزي ايجاب کرده بود که



در این عکس به ترتیب از راست به چپ : جناب آقای
نهر و نخست وزیر هند - جناب شیخ عبدالله رئیس دولت کشمیر
کو پالاموامی آیانگر نماینده سابق هند در سازمان ملل متحد
دیده می شوند.

آتش جنك را در چنین نقطه حساسی روشن نماید ؟

جز آنکه بگوئیم دولت پاکستان برخلاف عهد سابق فقط برای منافع مادی بچنین اقدامی مبادرت ورزیده چه میتوانیم بگوئیم ؟

حمله مسقیم نیروهای نظامی پاکستان وعشایر مسلح بکشمیر وخطر تصرف سرینگار راجه کشمیر « هری سینك » را وادار نمود که در درجه اول شیخ عبدالله پیشوای کنفرانس ملی را از زندان رها ساخته و بنخست وزیری برگزیند زیرا راجه هری سینك بخوبی میدانست تنها شخصی که میتواند مبانی همبستگی اجتماعی کشمیر را محکم سازد و در ضمن قادر است مردم را در برابر تجاوز دولت پاکستان برانگیزد و آنها را وادار بمقاومت در برابر متجاوزین نماید شخص شیخ عبدالله فدائی بزرگ و فرزند راستین کشمیر است . و در درجه دوم دریست وششم اکتوبر ۱۹۴۷ هری سینك از دولت هندوستان تقاضای کمک نظامی نمود وهمچنین اجازه خواست که بامارت جامو و کشمیر اجازه داده شود بدومینیون هند به پیوندند در این تقاضای مزبور کنفرانس ملی که اکثریت ملت کشمیر از آن عضویت دارند از دولت هند تقاضای الحاق موطن

خود را بکشور مزبور نمودند.

دولت هندوستان بمحض دریافت تقاضای فوق و اینکه دولت و ملت کشمیر هر دو خواستار ملحق شدن بکشور مزبور گردیده اند بکمک ملت کشمیر شتافت

ولی باتمام این مراتب هندوستان فقط بشرط موافقت مهاراجه باتاسیس حکومت آزاد و دادن اختیار بر هر مردم کشمیر جهت تأسیس این حکومت حاضر بار سال کمک بکشمیر گردید و حتی دولت هندوستان رسماً اعلام کرد که بکمک مردم کشمیر شتافته است نه مهاراجه کشمیر

ارتش هندوستان در مدت ۴ تا ۵ ماه باکمال جدیت سعی نمود که ارتش مهاجم را تاهشتاد میلی سرینگار پایتخت کشمیر بعقب براند و آنها را از چنگال خون آشام مهاجمین نجات بخشد.

همانطو که در فوق متذکر گردیدیم دولت پاکستان از اشغال کشمیر و تصرف آن فقط و فقط نظر مادی داشته و بهیچوجه نظری بحال ساکنین آن که امروز برای حفظ موقعیت خود سناك حمایت آنان را بسینه میگویند ندارد و اگر امردائر و سایر بر محور دیگری بود نقشه تقسیم کشمیر را

نمیدیرفت و مهمتر آنکه ظفرالله خان وزیر امور خارجه پاکستان در طی نطقی که در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۲۹ در باره مسئله کشمیر در ضیافت شام سالیانه مؤسسه نمایشگاه بین‌المللی کراچی اظهار داشته گفت :

« اقدام پاکستان با اعزام نیرو به کشمیر فقط و فقط جنبه دفاعی داشته زیرا در آن موقع نیروهای هندی فقط چندمیل از سرآب موسوم به مانگلا فاصله داشته و چنانچه بآنها اجازه داده میشد آن سرآب را تصرف کنند پاکستان بخاطر دچار میگردید »

باین تصور که نیروهای هندی بدون هیچگونه مجوز و برخلاف اصول بخاک کشمیر وارد گردیده‌اند وزیر امور خارجه دولت پاکستان صریحاً اعتراف نموده است که برای حفظ مصالح خود نیرو بکشمیر اعزام داشته است پس دیگر موضوع حمایت از مسلمین و کمک بهم کیشان معنی و مفهومی ندارد و این تبلیغات زننده نمیتواند پرده بر روی حقایق مسلم بکشد دولت هندوستان که بخوبی واقف باین گونه مسائل و مقاصد پنهان دولت پاکستان بود و از قصد حقیقی پاکستان در موضوع کشمیر آگاهی کامل داشت و از طرفی بر طبق موازین

قانونی کشمیر الحاق رسمی خود را به هندوستان اعلام داشته بود و مهمتر اینکه نمیخواست بدون جهت و سبب به تیره گی روابط و اوضاع بیفزاید که اگر آ بدولت پاکستان گوشزد نمود که اعمال دولت مزبور در کشمیر دشمنی مستقیم با دولت هندوستان است. متأسفانه چون نصایح مشفقانه مزبور به نتیجه مطلوبه نرسید دولت هندوستان در اول ژانویه ۱۹۴۷ توسط نمایندگان خود در سازمان ملل متحد یادداشتی بر رئیس شورای امنیت تسلیم و در آن تقاضا شده بود که بدولت پاکستان دستور داده شود ۱- از شرکت افراد دولت پاکستان در حمله و تعرض علیه جامو و کشمیر جلوگیری شود

۲- سایر اتباع پاکستان از دخالت و شرکت در جنگ

و خونریزی ممنوع گردند

۳- بمهاجمین اجازه داده نشود بخاک پاکستان نزدیک

شده و از آن برای حمله بکشمیر استفاده نمایند و همچنین ذخائر جنگی بدست آورند شکایت دولت هندوستان در چندین جلسه شورای هیئت که از ۱۵ ژانویه تا ۲۱ آوریل ۱۹۴۸ طول کشید مورد بررسی قرار گرفت و آخر الامر منجر بآن گردید که برای تحقیق در موضوع کشمیر یک نماینده از طرف

دولت هندوستان و يك نماينده از طرف دولت پاکستان و نماينده سوم هم بانظر دو نماينده منتخب تعيين گردد در اين حين قطعنامه ای از طرف دولتهای بلژيك-کانادا-چين-کلمبيا-انگلستان و امريکا صادر و از شورای امنیت تقاضا شد که اعضاء به پنج نفر ترقی داده شود و نیروهای مسلح پاکستان و هند از کشمير عقب کشيده شوند تا تحت نظر نماينده ای که از طرف سازمان ملل متحد تعيين میگردد مراجعه براه عمومی که دولت هندوستان خود پيشنهاد کننده آن بود تسهيل گردد

دولت هندوستان از نظر آنکه کماؤ کیفاً کشمير ملحق بآن دولت گردیده بود از عقب کشیدن نیروهای خود با خطری که از طرف ایالات مسلح پاکستان در کشمير متوجه مردم بی پناه کشمير بود خود داری داشت بخصوص اینکه شورای امنیت با دلائل مثبتی که ارائه شده بود صریحاً وجود نیروهای مسلح پاکستان را در کشمير یاد آور نگردیده بود بسیار بجاست برای آنکه بخوبی ثابت شود که نیروهای پاکستان از روزه های اول اختلاف در کشمير بودند بنطق ظفر الله خان وزير امور خارجه پاکستان که در تاريخ ۴ شهریور ماه ۱۳۲۹ در ضیافت شام سالیانه مؤسسه نمايشگاه بين المللی کراچی ایراد نمودند



در بیستم نوامبر گذشته در ضیافتی که از طرف کمیسر
تجارتی کشمیر در نمایشگاه صنایع کشمیر در دهلی جدید داده
شد حضرت رئیس جمهوری و جناب آقای نهرو نخست وزیر
هند شرکت کردند. در این عکس رئیس جمهور و نخست وزیر
هند و یکی از شخصیتهای کشمیر دیده میشوند.

اشاره نمائیم.

ظفرالله خان ضمن نطق خود چنین بیان داشت :

« دولت بهارات گفته است که کمسیون مخصوص سازمان ملل متحد مأمور حل اختلاف بهارات و پاکستان بر سه مسئله کشمیر هنگامیکه بکشمیر رفت پی بوجود نیروهای پاکستان در آن ایالت برد در صورتیکه طبق اطلاعاتیکه خود دولت بهارات در دست داشت دولت پاکستان نیروهای خود را از روزهای اول بکشمیر اعزام داشته بود »
در هر صورت دولت هندوستان بنا بملاحظاتى که ذکر شد از قبول بعضی از مواد قطعنامه خود داری ورزیدولی برای برای آنکه حسن نیت خود را بخوبی آشکار سازد رسماً اعلام داشت که هر آینه هیئت میخواید از هند دیداری بنماید دولت هند حاضر است که با هیئت مذاکراتی بعمل آورد نماینده دولت پاکستان با وارد ساختن اشکالاتی نسبت بقطعنامه مزبور تلو یحاً از قبول پیشنهاد مزبور شانه خالی کرد

رئیس شورای امنیت بنا بابر از تمایل دولت هند چنانکه فوقاً اشاره شده هیئت نمایندگی را بر طبق پیشنهادات دولت بلژیک - کانادا - چین - کلمبیا - انگلستان و امریکا

که عبارت بودند از چکوسلواک «منتخب هند» آرژانتین «منتخب پاکستان» و کشور های متحده امریکا «منتخب دولتهای چکوسلواک و آرژانتین» بلژیک و کلمبیا که مستقیماً از طرف رئیس شورای امنیت انتخاب گردیدند تعیین نمود هیئت مزبور در روز دهم ژوئیه بدهلی جدید وارد گردید و پس از مذاکرات مفصل بانمایندگان هردو دولت در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۴۸ قطعنامه ای صادر نمود که خلاصه آن از اینقرار است پس از مطالعات دقیق نظریات نمایندگان دولتهای هند و پاکستان در خصوص اوضاع ایالت جامو و کشمیر و معتقد شدن باینکه خاتمه دادن فوری بمخاصمات و اصلاح اوضاع فعلی که در صورت ادامه پیدا کردن صلح جهان را بمخاطره خواهد انداخت کمسیون سازمان ملل متحد مأمور حل اختلافات میان هند و پاکستان نسبت بمسئله کشمیر بمنظور کمک بدولتهای مزبور پیشنهاد مینماید که :

۱ - پس از گذشتن چهار روز دولتهای پاکستان و هند

باید به نیروهای مسلح خود فرمان آتش بس بدهند

۲ - دولتهای هند و پاکستان باید اصول زیر را بعنوان

مبنای پایه یک قرار داد تلقی نمایند

الف - دولت پاکستان باید سپاهیان خود را از کشمیر عقب بکشد.

ب - نواحی تخلیه شده زیر نظر اولیای امور محلی و تحت مراقبت نمایندگان سازمان اداره خواهد گردید.

ج - پس از تخلیه کشمیر از نیروهای مسلح پاکستان دولت هندوستان مقداری از نیروی خود را از کشمیر خارج ساخته و با استفاده از بقیه نیروهای خود حفظ نظم و انضباط را بعهده خواهد گرفت.

۳ - بمحض امضاء قرار داد متعارف دولتی مزبور بوسیله مذاکره با کمیسیون ملل متحد مأمور حل اختلاف در موضوع کشمیر تامین اوضاعی که مردم بتوانند سر نوشت خود را آزادانه تعیین کنند و تمایل خود را باینکه سر نوشت ایالت کشمیر و جامو از طرف خود مردم این سر زمین تعیین گردد بظهور و ثبوت رسانند

در تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۴۹ کمیسیون مخصوص سازمان ملل متحد مأمور حل اختلاف در یاسالار نیمتزر را بعنوان رئیس نظارت مراجعه باراء عمومی تعیین و رسماً این موضوع را اعلام داشت

فرمان آتش بس که در ماده اول قطعنامه ۱۳ اوت

۱۹۴۸ قرار داشت در تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۹ از طرف دولتین پاکستان و هند بموقع اجراء گذارده شد

دولت هند بدون هیچگونه اظهار نظری بقیه پیشنهادات کمیسیون مخصوص سازمان ملل متحد را هم پذیرفته و خود را برای اجرای مواد آن بخصوص فراهم ساختن زمینه مراجعہ بآراء عمومی آماده میساخت .

ولی متاسفانه دولت پاکستان قبول اجرای قطعنامه مزبور را از طرف خود مشروط بشرايطی نمود که بکلی روح اولیه خود را از دست داد و عبارت ساده تر دولت پاکستان باتقدیم پیشنهادات عجیب خود عملاً از قبول پیشنهادات کمیسیون سازمان ملل متحد سر باز زد .

کمیسیون مزبور که مخالفت دولت پاکستان را در قبول پیشنهادات خود مشاهده نمود از حصول نتیجه مایوس گردید ولی برای آنکه موضوع از بن بست خارج شود در تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۴۹ بدولتین پیشنهاد نمود که موضوع حل اختلاف را بحکمیت واکذا نمایند

پیشنهاد اخیر همانطور که ذکر شد صرفاً برای آن ابراز گردید که تاحدی باب مذاکره مابین دولتین باز بوده و جریان

بوخامت نگراید والا عاقلانه ترین عملی که ممکن بود برای حل مسئله کشمیر پیشنهاد گردد اجرای همان مواد قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ بود

بلاخره اولین کمیسیون سازمان در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۹ کشور هندوستان را ترك گفت

موضوع کشمیر روز بروز بر اثر تحریکاتی که انجام میگرفت رو بخامت میگرایید و بطور کلی صلح عمومی جهانی را در این قسمت حساس آسیا بمخاطره افکنده بود

دولت هند کمال سعی و مجاهدت را مبذول میداشت که باین موضوع خاتمه داده شود ولی دولت پاکستان بهیچوجه برای حل عادلانه قضیه حاضر نگردد تا اینکه در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۵۰ از طرف شورای امنیت قطعنامه ای صادر و بموجب آن یکنفر نماینده مجددا برای رسیدگی بقضیه کشمیر و اجرای قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ تعیین گردید در اول ژوئن ۱۹۵۰ طبق تصمیم ۱۴ مارس ۱۹۵۰ سر ارن دیکنسن مأمور رسیدگی قضیه کشمیر و حل اختلاف مابین دولتین گردید. دیکنسن پس ازدقت در قضیه کشمیر و تهیه پیشنهادات لازم زمینه ملاقات نخست وزیران هند و پاکستان را فراهم



سراون دیکسن میانجی سازمان ملل متحد در قضیه
کشمیر طی گزارش خود پاکستان را بنا بر قوانین بین‌المللی
متجاوز دانست .

نمود و دو شخصیت فوق الذکر؛ ۲۳ ژوئیه در دهلی یکدیگر را ملاقات نمودند. انتظار میرفت در این ملاقات قضایای بفرنج کشمیر حل گردیده و دولت پاکستان تصمیم کمیسیون سازمان ملل متحد مورخ ۲۳ اوت ۱۹۴۸ را ملایک عمل خود قرار دهد ولی برخلاف این انتظار امید آنیکه مترصد بودند دولت پاکستان تصمیمات کمیسیون سازمان ملل متحد را محترم بشمارد مجدداً دولت پاکستان بدون در نظر گرفتن سوابق امر پیشنهاد نمود که نیروهای هندوستان از کشمیر خارج گردیده و بر عکس نیروهای مسلح کشمیر آزاد «!!» بحال اولیه خود باقی مانده و حفظ امنیت را بعهده بگیرند.

دولت پاکستان با این پیشنهاد میخواست تلویحاً ثابت نماید که تصمیم ملت و دولت کشمیر نسبت بالحاق هندوستان پشیزی ارزش ندارد و حال آنکه همین دولت پاکستان با انعقاد قرار دادرسی ۱۵ اوت ۱۹۴۷ مابین خود و راجه هری سینک حکمران ایالات جامو و کشمیر دولت مزبور را اصولاً برسمیت شناخته است.

از طرف دیگر دولت هندوستان که از طرفی وظیفه دار حمایت از يك قطعه بزرگ از خاک خود می باشد باز هم با کمال

حسن نیت مراجعه بآراء عمومی را در کشمیر قبول نموده است منتہی نمیخواهد « حسن نیت » او مورد سوء استفاده های سیاسی قرار گیرد

در هر صورت امروز هم قضیه کشمیر مانند روزهای اول پیچیده و درهم است ولی خوشبختانه تنها موفقیتی که بدست آمده این است که دولت هندوستان بجهانیان ثابت نموده است مطیع مقررات و تصمیمات سازمان ملل متحد بوده و در آینده هم تسلیم هر گونه تصمیمی خواهد بود که با حیثیت و شرافت ملت هند منافات و مغایرت نداشته باشد

امروز ملت کشمیر بخوبی میدانند که دستاویزهای حمایت از برادران دینی و مذهبی دیگر نمیتواند باعث آن گردد که وسیله ای برای خونریزی و غصب حقوق دیگران بدست دولتهائی نظیر دولت پاکستان بدهد .



ملیت و مذهب دو امر جداگانه ای از یکدیگر است که هیچگونه ارتباطی نمی تواند باهم داشته باشد

ملیت اعراب و ایرانیان و ترکها کاملاً با یکدیگر مغایر و متمایز است ولی از لحاظ مذهبی مساوی و در یک عرض

اگر بنا باشد یکی بودن مذهب باعث ادعاهای ارضی گردد باید هر يك از سه ملیت فوق دعوی مالکیت دو ملت دیگر را بنماید و یا اینکه مثلاً انگلستان و فرانسه از نظر یکی بودن مذهب در اروپا مدعی تصرف تمام خاک اروپا گردند. مسلم است که چنین ادعای نابخردانه‌ای از هیچ طرف بعمل نخواهد آمد زیرا امروز بخوبی ثابت گردیده که مذهب و ملیت دو امر متفاوت و جدا از یکدیگر بوده و هیچ ارتباطی بین آنها موجود نیست

دولت پاکستان خود بخوبی بر این جریان واقف است، چنانچه در چند مورد که گذشت دولت مزبور عملاً مخالفت خود را با تئوری جدید خویش با ثبات رسانده است

در هر صورت با تمام ابرار مخالفتها و اعمال غرضهایی که از طرف دولت پاکستان در قضیه کشمیر میگردد امید است که دولت مزبور طریقه عاقلانه‌ای اتخاذ نموده و از بسط دامنه اختلاف با احترام حقوق بشری از نظر انتخاب راه زندگی و تحکیم مبانی صلح جهان خودداری نماید

پایان